



# همه چیز به نفع تو پیش می رود

جوئل اوستین | افسانه مقدم

## فهرست

- بخش اول: هر اتفاقی خوب است..... ۱۱
- بخش دوم: موهبت پنهان..... ۲۵
- بخش سوم: شبانگاه..... ۴۱
- بخش چهارم: ناامیدی‌های مخفیانه..... ۵۵
- بخش پنجم: اعتماد بی‌قیدوشرط..... ۷۳
- بخش ششم: رنج خود را هدر نده..... ۸۷
- بخش هفتم: دشمنان موجب برکت می‌شوند..... ۱۰۳
- بخش هشتم: هیچ چیز هدر نمی‌رود..... ۱۱۹
- بخش نهم: مشکلات محل عبور هستند..... ۱۳۳
- بخش دهم: زمین خوردی، اما فراموش نشدی..... ۱۴۷

همه چیز به نفع تو پیش می‌رود

- بخش یازدهم: جبران کسری بودجه..... ۱۶۱
- بخش دوازدهم: ایمان در نیمه راه..... ۱۷۷
- بخش سیزدهم: در بندرگاه امید لنگر بینداز..... ۱۹۱
- بخش چهاردهم: به سمت هدف سوق داده می‌شوی..... ۲۰۵
- بخش پانزدهم: به وادی غیب قدم بگذار..... ۲۱۹
- بخش شانزدهم: همچنان ایستاده‌ام..... ۲۳۳
- بخش هفدهم: رؤیایت را به خاطر بیاور..... ۲۴۷
- بخش هجدهم: پایان حدس‌زدنی..... ۲۶۱

## بخش اول

### هر اتفاقی خوب است

زندگی پر از ناملايمات است؛ نااميد می شويم، یکی از دوستانمان ما را فريب می دهد، به سختی تلاش می کنيم ارتقا بگیريم اما نمی شود. يا منفی نگری می گويم: «چقدر بد بود. درست نشد. دعاهايم بی جواب ماندند». افسرده شدن و دست دادن اشتياق، ساده است. اما خداوند فقط برای اينکه رشد کنيم، ما را در شرايط دشوار قرار می دهد. شايد متوجه نشوی که خداوند از چه راهی اين کار را انجام می دهد، اما اگر به شيوه صحيح ادامه بدهی، تمام اتفاقات زندگی، تو را به سررشتت نزديکتر خواهند کرد. درهای بسته، موانع، آدمهای بدخلق و وامي که نگرانی همه به نفع تو هستند؛ خداوند می گوید: «همه چیز خوب است. من کنترل اوضاع را در دست دارم. شايد احساس خوبی نداشته باشی، اما به من اطمینان کن. من از اين شرايط به نفع تو استفاده خواهم کرد».

وقتی اين قانون را درک کنی، آزادانه تر زندگی می کنی. هنگامی که یکی از همکارت با دسيسه چینی تو را کنار بگذارد، ديگر اندوهگين نخواهی شد. می دانی که همه چیز خیر مطلق است. خداوند اجازه داده است و می خواهد از اين



شرایط بهره ببرد. تو تلاش کردی، اما کسب و کارت رونق نگرفت. از رؤیاهایت دست نمی‌کشی، می‌دانی که همه‌چیز خیر و برکت است. این‌ها فقط بخشی از یک فرایند هستند. اجازه نمی‌دهی اتفاقاتی جزئی، مانند گیر کردن پشت ترافیک، تو را ناامید و روزت را خراب کنند. می‌دانی که خداوند قدم‌به‌قدم هدایتت می‌کند. شاید سرعت تو را کم کرده است تا از تصادفی در امان بمانی. شاید می‌خواهد صبر و بردباری تو را افزایش دهد. هرچه هست، او مقصودی دارد. دیدگاهی صحیح داشته باش: همه‌چیز پر از خیر و برکت است.

این دیدگاه باعث می‌شود به خداوند اعتماد کنی. ما حکمت تمام داده‌ها و نداده‌های خداوند را درک نمی‌کنیم. اگر تلاش کنی از همه‌چیز سر در بیاوری، ناامید خواهی شد. خداوند نمای کلی زندگی ما را مشاهده می‌کند. او می‌داند بن‌بست‌ها، میان‌برها و دست‌اندرهایی که باعث درد و دلشکستگی تو می‌شوند، در کدام قسمت

از مسیر قرار دارند. دعا کرده بودی که درهای بسته را باز کند، اما از آنجایی که می‌دانست اگر از آن در رد شوی، وقتت را تلف می‌کنی، آن را باز نکرد. اگر از لحاظ روحی بالغ باشی، هنگامی که اوضاع خوب پیش نمی‌رود، به‌جای اینکه

او می‌داند بن‌بست‌ها، میان‌برها و دست‌اندرهایی که باعث درد و دلشکستگی تو می‌شوند، در کدام قسمت از مسیر قرار دارند.

اوقات تلخی کنی، خواهی گفت: «خدایا من به تو اطمینان دارم. شاید این شرایط را دوست نداشته باشم، اما قبول دارم که تو می‌دانی چه چیزی برای من بهتر است».

### **اتفاقات مختلف دست‌به‌دست هم می‌دهند تا همه‌چیز به نفع تو باشد**

اگر خداوند همین حالا تو را از نعمت‌های آینده برخوردار کند، نمی‌توانی آن‌ها را مدیریت کنی. خداوند به‌حدی تو را دوست دارد که اجازه نمی‌دهد هم‌اینک رخ

دهند. او شخصیت را پرورش می‌دهد و تو را به بلوغ می‌رساند. فرض کنیم رئیس شرکت اعصاب را به هم ریخته است و بد رفتاری می‌کند، شاید از خدا بخواهی او را از سر راه بردارد. خداوند از او به عنوان سمباده استفاده می‌کند تا شخصیت تو را صیقل بدهد، به همین دلیل آن شخص از سر راهت کنار نمی‌رود. همین‌طور که رفتار صحیح را در پیش می‌گیری، سکوت می‌کنی، احترام می‌گذاری و به وظایف خود پایبند هستی، شخصیت شکل می‌گیرد. تو نمی‌توانستی بدون آن شخص، شخصیت خودت را ارتقا بدهی. شاید دوست نداشته باشی، اما خیر و برکت تو در همین است. این شرایط تو را برای مرحله بعدی سرنوشت آماده می‌کند. خداوند می‌پرسد: «آیا وقتی که با در بسته مواجه می‌شوی، به من اعتماد داری؟ آیا هنگامی که دعاهایت بی‌پاسخ می‌مانند و شرایط را درک نمی‌کنی، باز هم به من اطمینان می‌کنی؟»

چرا از مبارزه کردن با نامالایمات دست بر نمی‌داری؟ چرا این طرز فکر جدید را انتخاب نمی‌کنی؟ «همه چیز پر از خیر و برکت است. نمی‌توانم این رئیس بداخلاق را تحمل کنم، اما می‌دانم که به نفع من است.» وقتی کودک لجبازی می‌کند، هنگامی که بیمار می‌شوی یا وقتی به نظر می‌رسد که برآورده شدن رؤیاهایت تا ابد طول خواهد کشید، می‌توانی بگویی: «من این شرایط را دوست ندارم، اما نمی‌خواهم اوقاتم را تلخ کنم. می‌دانم خداوند از عرش اعلا به زندگی من تسلط دارد. شاید این موانع به ضرر من باشند، اما خداوند قول داده است که **لتر آن‌ها** به نفع من استفاده کند». پولس مقدس در رومیان ۸:۲۸ گفته است: «تمام شرایط به نفع دوستداران خداوند است.» او نگفت بعضی از شرایط به نفع **آن‌هاست**، پولس از تمام شرایط صحبت کرد. شاید در همین لحظه خوشایند نباشند. فقدان هر چیزی دردناک است. وقتی کسی با ما بد رفتاری می‌کند، صدمه می‌بینیم. وقتی رؤیای ما برآورده نمی‌شود، ناامید می‌شویم. شاید این اتفاقات در